

Comparative Analysis of Approaches to Protected Area Governance and the Evolution Process of Landscape Conservation

Sayedeh Alemohammad

Assistant Professor, Faculty of Governance - University of Tehran, Tehran, Iran.


Email: sh.alemohammad@ut.ac.ir

 0009-0006-7434-6583

Reza Omidifar

Executive Deputy, Faculty of Governance - University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: m.omidi93@ut.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

Saman Yousefvand

Assistant Professor, Faculty of Governance - University of Tehran, Tehran, Iran.


Email: Samanyousefvand68@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Majid Ramezani Mehrian

Assistant Professor, Department of Environmental Studies, Institute of Human Sciences Research and Development (SAMT), Tehran, Iran.

Email: mehrian@samt.ac.ir

 0000-0002-0216-299x

Abstract

The influence of governance on the sustainability of protected areas (PAs) is greater than the influence of the IUCN classification type. The weakness of interdisciplinary discussion has hindered the development of research and the improvement of functions in the governance of these regions. Landscape conservation has developed based on competitive worldviews, conflicting discourses, and inconsistent attitudes about PAs. It makes reaching a common understanding difficult. The purpose of this research is to explain the evolution of PA governance approaches. The method of this research is review and comparative analysis. By reviewing more than 90 new articles, 45 important keywords have been collected and classified with two strategies (one based on worldviews and discourses and the other based on different attitudes about the relationship between PAs and the surrounding landscapes). Exploration in reviewed articles shows two main approaches based on the first strategy. The area-oriented approach (zoning and mapping) and the process-oriented approach (participatory and systematic). The result of combining these approaches is participatory mapping. Based on the second strategy, PA governance has moved from islandization to networking, the landscape approach, and then ecological-social landscapes. The ecological-social landscape seeks multifaceted governance based on the values belonging to places, which transcends the boundaries of traditional management. PA governance has formed more advanced models with continuous progress and has always tended to cover shortcomings, inadequacies, and limitations. The future research priorities are integrated landscape management, empowering managers, supporting sustainable livelihoods, establishing local community participation, and using their initiatives.

Keywords: Area-Oriented, Process-Oriented, Local Communities, Ecological-Social Landscapes, Governance.



تحلیل مقایسه‌ای رویکردهای حکمرانی مناطق تحت حفاظت و روند تکامل حفاظت سیمای سرزمین

سیده آل محمد

استادیار دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: sh.alemohammad@ut.ac.ir

0009-0006-7434-6583

رضا امیدفر

معاون اجرایی دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: m.omidi93@ut.ac.ir

0000-0000-0000-0000

سامان یوسفوند

استادیار دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: Samanyousefvand68@gmail.com

0000-0000-0000-0000

مجید رضانی مهریان

استادیار گروه مطالعات محیطی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران.

Email: mehrian@samt.ac.ir

0000-0002-0216-299x

چکیده

تأثیر حکمرانی بر پایداری مناطق تحت حفاظت بیش از تأثیر نوع طبقه‌بندی IUCN برای این مناطق است. ضعف بحث میان‌رشته‌ای مانع توسعه تحقیقات و بهبود عملکردها در حکمرانی این مناطق گردیده است. حفاظت سرزمین براساس جهان‌بینی‌های رقیب، گفتمان‌های متناقض و نگرش‌های ناسازگار درباره مناطق تحت حفاظت بسط یافته است؛ که رسیدن به فهم مشترک را دشوار می‌کند. هدف این پژوهش، تبیین تکامل رویکردهای حکمرانی مناطق تحت حفاظت است. روش این پژوهش، مطالعه مروری و تحلیل مقایسه‌ای است. با مرور بیش از ۹۰ مقاله جدید، ۴۵ کلیدواژه مهم گردآوری گردیده و با دو راهبرد (یکی براساس جهان‌بینی‌ها و گفتمان‌ها و دیگری براساس نگرش‌های ارتباط مناطق تحت حفاظت با سیمای سرزمین پیرامونشان) طبقه‌بندی شده است. کاوش مقالات مرور شده دو رویکرد اصلی را براساس راهبرد اول نشان می‌دهد: رویکرد منطقه‌گرا (پهنه‌بندی و نقشه‌سازی) و رویکرد فرایندگرا (مشارکت‌مبنا و نظام‌مند). حاصل تلفیق این دو رویکرد نقشه‌سازی مشارکتی است. براساس راهبرد دوم، حکمرانی مناطق تحت حفاظت از جزیره‌سازی، به سمت شبکه‌سازی، سیمای سرزمین و سپس رویکرد سیماهای سرزمین اکولوژیکی-اجتماعی حرکت نموده است. سیماهای سرزمین اکولوژیکی-اجتماعی به دنبال حکمرانی چندوجهی براساس ارزش‌های متعلق به مکان است که از مرزهای مدیریت سنتی فراتر می‌رود. حکمرانی مناطق تحت حفاظت پیوسته مدل‌های پیشرفته‌تری را شکل داده است. همچنین همواره تمایل به پوشش‌دادن کاستی‌ها، نارسایی‌ها و محدودیت‌های اثربخشی خود داشته است. اولویت‌های تحقیقاتی آینده به‌سوی مدیریت یکپارچه سیمای سرزمین، توانمندسازی مدیران، پشتیبانی معیشت‌های پایدار، بسترسازی مشارکت جوامع محلی و استفاده از ابتکارات آن‌ها است.

کلیدواژه‌ها: منطقه‌گرا، فرایندگرا، جوامع محلی، سیماهای سرزمین اکولوژیکی-اجتماعی، حکمرانی.



مقدمه و بیان مسئله

با وجود افزایش تلاش‌های حفاظتی، تنوع زیستی جهان تحت تأثیر فشار رشد جمعیت، تغییر پوشش/ کاربری اراضی، تغییر اقلیم و بهره‌برداری بیش از حد از منابع طبیعی رو به کاهش و نرخ فقر به طرز غیرقابل قبولی رو به افزایش است (Bank, 2019; Barnes et al., 2016; Brondizio et al., 2018). اگرچه اندیشه کهن حفاظت از طبیعت، به تاریخ تمدن جوامع انسانی گره خورده، اما تأکید بر مفهوم مناطق داغ تنوع زیستی از قرن نوزدهم آغاز گردید. پوشش مناطق تحت حفاظت در اراضی خشکی جهان در سال ۲۰۲۱ به ۱۵/۵۳ درصد رسیده است (Jones et al., 2019; Mcleod et al., 2019). این مناطق به‌عنوان سنگ‌بنای حفاظت از ساختارها و کارکردهای اکولوژیکی و حتی میراث فرهنگی در هر برنامه آمایش سرزمین جایگاه غیرقابل جایگزینی دارند.

طبقه‌بندی شش‌گانه IUCN (۱۹۸۷) برای این مناطق، جدا از نوع حکمرانی، براساس شمول فعالیت‌های انسانی و دارای دو سوی دوگانه است. در یک‌سو، اهداف طبقه اول و دوم (ذخیره‌گاه طبیعت محدودشده، مناطق بکر و پارک ملی)، بیشتر شامل حفظ طبیعت بکر با کنترل شدید اثرات انسانی است. در سوی دیگر طیف اهداف طبقه پنجم و ششم (سیمای سرزمین خشکی یا دریایی تحت حفاظت با استفاده پایدار منابع طبیعی)، شامل حفاظت ارزش‌های اکولوژیکی، بصری و فرهنگی سیمای سرزمین، تفرج، استفاده‌های غیرصنعتی سازگار با حفاظت و تعامل یکپارچه مردم و طبیعت است. اشکال عمده حکمرانی که در طبقه‌بندی مذکور نادیده گرفته شده شامل دولتی، اشتراکی، خصوصی و جوامع محلی است^۱ (Ayivor et al., 2020; Brown et al., 2020; Costa et al., 2022; Lee, 2016; Otero et al., 2020). بدون شک تأثیر حکمرانی بر پایداری بلندمدت این مناطق حتی از تأثیر طبقه‌بندی IUCN می‌تواند قوی‌تر باشد. زیرا حکمرانی بالاترین و شامل‌ترین سطح تصمیم‌گیری در هر سرزمینی است. حیطه مطالعات هر علمی توسط جهان‌بینی‌های معرفتی، گفتمان‌های برجسته و نگرش‌های بنیادین نسبت به مرز سیستم مورد مطالعه پیش می‌رود. نظریه‌ها، رویکردهای مؤثر، مدل‌های پشتیبان و تجربه‌های موجود در حکمرانی مناطق تحت حفاظت و تصمیم‌گیری برای حفاظت و توسعه نیز از این روند مستثنا نیست (Bennett et al., 2017; Hakkarainen et al., 2020; Potts, 2020).

1. Governance by government, Shared governance, Private governance, Governance by local communities

به‌طور کلی می‌توان گفت سه جهان‌بینی معرفتی در حکمرانی مناطق تحت حفاظت وجود دارد. حتی شیوه نقشه‌سازی که یک ابزار پایه است در قالب این جهان‌بینی‌ها قابل تفسیر است.

در جهان‌بینی اثبات‌گرا، پدیده‌های عینی به‌صورت تجربی و کمی، سنجیده می‌شوند و با فرض دوگانگی انسان و طبیعت، ارزش‌ها از فرایند پژوهش حذف می‌شود. «نظریه کارتوگرافی»، ریشه در اثبات‌گرایی دارد و ترسیم نقشه‌ها را فن‌سالارانه می‌داند. در جهان‌بینی تفسیرگرا، ذهنیت، رفتار و تعاملات کنشگران اهمیت دارد. در جهان‌بینی انتقادگرا با نظریه‌هایی مانند «اجتماعی، اخلاق و کارتوگرافی» و «نشانی کارتوگرافی»، آنچه مهم است به این شرح است: شناسایی زمینه و بستر پدیده، کشف ساخت‌های پنهان اجتماعی، پذیرش تکثرگرایی، دوری از سلطه یک نوع دانش و تلاش برای نزدیک نمودن نظریه و تجربه (Bridgewater & Rotherham, 2019; Brown et al., 2012; Li et al., 2023; Stoffelen, 2020). در درجه اول، جهان‌بینی‌ها در نحوه تصمیم‌گیری برای حفاظت و توسعه نقش کلیدی دارند. نادیده گرفتن مناقشات اجتماعی مسبب بیگانه‌شدن فرایند ترسیم نقشه از مردم‌مداری و واقعیت‌های موجود در جوامع انسانی است. سه گفتمان برجسته در حکمرانی مناطق تحت حفاظت وجود دارد، در گفتمان محافظه‌کارانه تأکید بر کارایی حفظ تنوع زیستی و سیمای سرزمین است. در این گفتمان فعالیت‌های انسانی یا کاملاً رد می‌شود، یا به‌شدت کنترل می‌شود. ایده «اکولوژی عمیق» در این گفتمان، ارزش ذاتی گونه‌ها و اکوسیستم‌ها را می‌ستاید و جامعه و طبیعت را دو مقوله تحلیلی متمایز می‌داند (Anaya & Espirito-Santo, 2018; Ward et al., 2018). در گفتمان هشیار اجتماعی تأکید بر فرایندهای اجتماعی در حال بازی و افزایش اثربخشی حفاظت از طریق به‌کارگیری ابزار سیاسی کاهش فقر است. ایده «اکولوژی سیاسی» در این گفتمان، قدرت سیاسی و اجتماعی کنشگران را شکل‌دهنده روابط انسان و طبیعت می‌داند و معتقد است برخی گروه‌ها آسیب می‌بینند. همچنین گفتمانی با رویکرد میانه‌رو در حکمرانی مناطق تحت حفاظت در حال قوی‌تر شدن است (Ahlborg & Nightingale, 2018; Castro-Arce & Vanclay, 2020). این گفتمان برای پُر کردن شکاف میان گفتمان‌های محافظه‌کارانه و آگاهانه اجتماعی تلاش می‌کند و خواهان یکپارچه‌تر شدن رویکردها است.

حکمرانی مناطق تحت حفاظت، دو نگرش بنیادین درباره پیرامون این مناطق دارد. نگرش انحصاری با قطعی فرض کردن مرزها، به دستور و کنترل (حصارها و

جریمه‌ها) پایبند است. براساس این ایدئولوژی، حفاظت و توسعه در تقابل کامل هستند، مردم بومی از سرزمین خود بیرون رانده می‌شوند و فشار بهره‌برداری را در پیرامون مناطق تحت حفاظت افزایش می‌دهند. نگرش شامل با فازی فرض نمودن مرزها، به جریان خدمات اکوسیستمی تا محدوده‌های وسیع‌تر توجه دارد. براساس این تفکر، احترام به حقوق جوامع محلی و همراهی با دانش بومی (حفاظت استفاده‌های محلی) در کنار حفاظت زیستگاه‌های درون و پیرامون منطقه و اکوتوریسم پایدار سبب افزایش تاب‌آوری می‌شود (Ayivor et al., 2020; Cumming & Allen, 2017; Gao et al., 2023; Wang, 2019). اولین کنگره جهانی پارک‌ها^۱ (WPCs) در سیاتل ایالات‌متحده آمریکا (۱۹۶۲)، بر تشویق جنبش پارک‌های ملی در سراسر جهان توجه داشت. دومین کنگره در یلواستون و گرند‌توتون ایالات‌متحده آمریکا (۱۹۷۲)، بر طبقات این مناطق متمرکز بود. در سومین کنگره در بالی اندونزی (۱۹۸۲)، مطرح شد که مناطق تحت حفاظت به‌صورت جدا از پیرامونشان در نظر گرفته نشوند. چهارمین کنگره در کاراکاس ونزوئلا (۱۹۹۲)، بر شناسایی مناطق اولویت‌دار حفاظتی و مشارکت ذینفعان پیرامون تأکید شد. پنجمین کنگره در دوربان آفریقای جنوبی (۲۰۰۳)، بر مدیریت توأمان درون و پیرامون مناطق تحت حفاظت و مزیت‌های فراتر از مرزها تمرکز نمود و ششمین کنگره در سیدنی استرالیا (۲۰۱۴)، بر کسب پشتیبانی اجتماعی از مناطق تحت حفاظت با تقویت رفاه اجتماعی متمرکز بود (Palomo, Montes, et al., 2014; Shafer, 2015). بنابراین تغییرات ایدئولوژیکی درباره پیرامون مناطق تحت حفاظت و نحوه حکمرانی در کنگره‌های جهانی پارک‌ها نیز مشهود است.

جهان‌بینی‌های رقیب، گفتمان‌های متناقض و نگرش‌های ناسازگار، رسیدن به تفاهم، توافق و اشتراک را در حکمرانی مناطق تحت حفاظت دشوار می‌کند. هر پژوهشی در این زمینه باید ابتدا متوجه تفسیر رابطه انسان و طبیعت و تحولات دیدگاه‌های طبیعت‌محور تا انسان‌محور باشد، زیرا ضعف و پراکندگی بحث میان‌رشته‌ای مانع توسعه تحقیقات و عدم بهبود عملکرد حکمرانی مناطق تحت حفاظت گردیده است. مطالعات مرتبط با حکمرانی مناطق تحت حفاظت در سراسر جهان بسیار بوده است. اما تاکنون مطالعات نادری مرور یکپارچه و طبقه‌بندی

جامعی از رویکردهای مربوط به حکمرانی مناطق تحت حفاظت و سیر تحول حفاظت سرزمین داشته‌اند.

این پژوهش، دو هدف عمده دارد: یکی تحلیل مقایسه‌ای رویکردهای حکمرانی مناطق تحت حفاظت و دیگری درک چگونگی سیر تحولات حفاظت سرزمین. پرسش‌های این پژوهش نیز به تناسب این اهداف، این‌گونه مطرح می‌شوند: مناطق تحت حفاظت با توجه به جهان‌بینی‌ها و گفتمان‌ها و همچنین نگرش‌های موجود نسبت به محیط پیرامون چه رویکردهایی برای حکمرانی دارند؟ سیر تحول حفاظت سرزمین در مناطق تحت حفاظت با تحلیل مقایسه‌ای این رویکردها به چه جهتی تغییر نموده است؟

۱. پیشینه پژوهش

سیر تاریخی تلاش‌ها به‌منظور متعادل‌نمودن حفاظت و توسعه و درک و ارتقای اهمیت مناطق و جوامع پیرامون مناطق تحت حفاظت از دهه ۱۹۷۰ پیوسته افزایش داشته است. مدل‌های کلیدی در دهه ۱۹۷۰، شامل ذخیره‌گاه زیست‌کره و رویکردهای مشارکتی بوده است. مدل‌های کلیدی در دهه ۱۹۸۰، پهنه‌های سپر و رویکرد دینفع بودند. در این دو دهه، رابطه میان مناطق تحت حفاظت و پیرامونشان روش‌های پهنه‌بندی برای جدا کردن عملکردها در مناطق تحت حفاظت به رسمیت شناخته شد. مدل‌های بارز دهه ۱۹۹۰، توسعه گردشگری پایدار و پروژه‌های توسعه و حفاظت یکپارچه بوده است.

در این دهه توسعه روش‌های پهنه‌بندی در مناطق تحت حفاظت و پیرامونشان با کشف راه‌های حل‌وفصل تعارضات در مناطق پیرامون ادامه یافت. مدل‌های مرسوم در دهه ۲۰۰۰، کشف رویکردهای سازگارتر را با توجه به چالش‌های ناشی از نادیده گرفتن مشارکت جوامع محلی بازتاب می‌کند. مطالعات دهه ۲۰۱۰، تلاش‌های نقشه‌سازی تعاملات اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی مناطق تحت حفاظت با پیرامونشان را آگاهی عمیق‌تری نسبت به رویکردهای جدید حکمرانی مناطق تحت حفاظت نشان می‌دهد (Geldmann et al., 2018; Van Kerkhoff et al., 2019).

پس از سال ۲۰۲۰، پژوهش درباره پراکندگی چهارچوب‌های مفهومی و تنوع روش‌های پژوهش برای درک حکمرانی مناطق حفاظت‌شده افزایش یافت. به‌نحوی که روابط بین مناطق حفاظت‌شده و جوامع محلی از رویکردهای طبیعت‌محور تا انسان‌محور شناخته شد. در این سال‌ها بر شناسایی بافت نهادی، شناسایی ارزش‌های

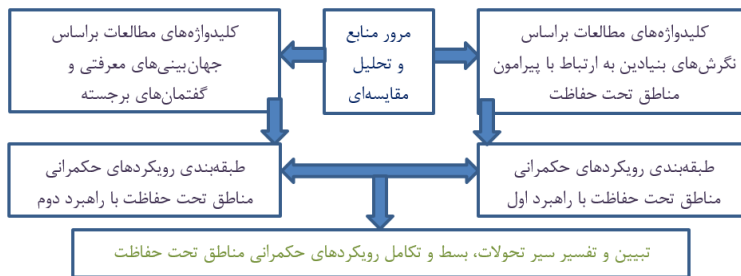
سیمای سرزمین از دیدگاه گروه‌های ذینفع و یا تأثیرپذیر و تعاملات آن‌ها با منطقه حفاظت‌شده تأکید بیشتری شده است (Li et al., 2023; Omoding et al., 2020). بر اساس پیشینه مطالعاتی و مرور منابعی که در این پژوهش انجام شد؛ دو گونه طبقه‌بندی از حکمرانی مناطق تحت حفاظت قابل ارائه است که در چهارچوب نظری معرفی شده است.

۲. روش پژوهش

روش این پژوهش، مطالعه مروری و تحلیل مقایسه‌ای است. با مرور بیش از ۹۰ مورد از جدیدترین مقاله‌ها، ۴۵ مورد از مهم‌ترین "کلیدواژه‌ها" در حوزه مفاهیم، روش‌ها و مدل‌های حکمرانی مناطق تحت حفاظت گردآوری شده است. این کلیدواژه‌ها به ترتیب الفبا به شرح زیر است: ادراک و همکاری ذینفعان (SPCA)، ارزش‌گذاری و نقشه‌سازی خدمات اکوسیستمی (VMES)، ارزیابی مشارکتی روستایی (RPA)، اکوسیستم با محوریت مناطق تحت حفاظت (PACES)، اکولوژی عمیق (DP)، اکولوژی سیاسی (PP)، انسجام ساختاری سیمای سرزمین (LSI)، برنامه‌ریزی حفاظت نظام‌مند (SCP)، پروژه‌های توسعه و حفاظت یکپارچه (ICDPs)، پروتکل یکپارچه‌سازی برنامه‌ریزی حفاظت و احیا (ICRPP)، پهنه استفاده مردمی (CUsZs)، پهنه تعامل (ZI)، پهنه تأثیر (IZ)، پهنه‌های ذخیره‌گاه زیست‌کره (ZBR)، تحلیل الگوی فضایی شکل شناختی (MSPA)، تعیین پهنه‌بندی مدیریت (MZD)، تشکیلات اقتصادی اجتماع‌مبنا (CBA)، توسعه گردشگری پایدار (STD)، جهان‌بینی اثبات‌گرا (PW)، جهان‌بینی تفسیرگرا (IW)، جهان‌بینی انتقادگرا (CW)، رویکرد جزیره‌سازی (IA)، رویکرد شبکه‌سازی (NA)، رویکرد سیمای سرزمین (LA)، رویکرد حصارها و جریمه‌ها (FFA)، رویکرد دستور و کنترل (CCA)، رویکرد فرایندگرا (POA)، رویکرد مبتنی بر پهنه‌بندی (ZBA)، رویکرد مبتنی بر نقشه‌سازی (MBA)، رویکرد مشارکت‌مبنا (PBA)، رویکرد نظام‌مند (SA)، رویکرد منطقه‌گرا (AOA)، رویکرد سیمای سرزمین اکولوژیکی - اجتماعی (AESL)، شاخص قابلیت منطقه تحت حفاظت (PASI)، سیستم‌های اجتماعی - اکولوژیکی (SES)، گفتمان محافظه‌کارانه (CD)، گفتمان هشیار اجتماعی (SCD)، گفتمانی میانه‌رو (MD)، مدیریت اجتماع‌مبنا (CBM)، مدیریت منابع طبیعی مبتنی بر اجتماع (CBNRM)، مدیریت همکارانه تطبیقی (ACM)، مدیریت اثر

بازدیدکننده (VIMF)، مشارکت مستقیم (DP)، نگرش انحصاری (EA)، نگرش شامل (IA)^۱.

در این پژوهش به منظور درک سیر تحول رویکردهای حکمرانی مناطق تحت حفاظت، این کلیدواژه‌ها با توجه به جهان‌بینی‌های معرفتی، گفتمان‌های برجسته و نگرش‌های بنیادین در ارتباط با پیرامون مناطق تحت حفاظت بررسی و طبقه‌بندی شده است. این طبقه‌بندی مطابق شکل ۱، با دو راهبرد پیش رفته است. درنهایت با جمع دو نوع طبقه‌بندی انجام‌شده، سیر بسط و تکامل رویکردهای حکمرانی مناطق تحت حفاظت و تحولات حفاظت سرزمین براساس مقایسه مفاهیم محتوایی و همچنین ویژگی‌های رویه‌ای (روش‌شناسی) تبیین و تفسیر شده است.



شکل ۱: روش‌شناسی پژوهش

۳. چهارچوب نظری

۳-۱. رویکردهای حکمرانی مناطق تحت حفاظت براساس جهان‌بینی‌ها و گفتمان‌ها

1. Stakeholders' Perceptions and Collaboration Approach, Valuation and Mapping of Ecosystem Services, Rural Participatory Assessment, Protected Area-centered Ecosystems, Deep Ecology, Political Ecology, Landscape Structural Integrity, Systematic Conservation Planning, Integrated Conservation and Development Projects, Integrating conservation and restoration planning protocol, Community Use Zone, Zone of Interaction, Impact Zone, Zones of Biosphere Reserve, Morphological Spatial Pattern Analysis, Management Zoning Designation, Community-based Enterprises, Sustainable Tourism Development, Positivist Worldview, Interpretive Worldview, Critical Worldview, Islandization Approach, Networking Approach, Landscape Approach, Fences and Fines Approach, Command & Control Approach, Process oriented Approach, Zoning-based Approach, Mapping-based Approaches, Participation-based Approach, Systematic Approach, Area-oriented Approach, Approach of Ecological-Social Landscapes, Protected Area Suitability Index, Social-Ecological Systems, Conservative Discourse, Socially Conscious Discourse, Moderate Discourse, Community based Management, Community-Based Natural Resource Management, Adaptive Collaborative Management, Visitor Impact Management Frameworks, Direct Participation, **Exclusive Attitude and inclusive Attitude.**

دو گونه رویکرد عمده در حکمرانی مناطق تحت حفاظت براساس جهان‌بینی‌ها و گفتمان‌ها وجود دارد. رویکرد منطقه‌گرا از روش‌های علمی سخت و راه‌های منطقی تبعیت می‌کند. منطق زیربنایی این رویکرد مکان‌محور این است که پهنه‌های مختلف عملکردی برای انواع فعالیت‌های انسانی قابل شناسایی و تخصیص است. رویکرد فرایندگرا، با به چالش کشیدن رویکرد اول، امکان بسط دامنه گفت‌وگو و مشارکت را فراهم می‌آورد. این رویکرد روش‌های اجتماعی نرم و فرایندهای سازگار مرتبط‌کردن جوامع محلی با سایر ذینفعان را پیگیری می‌کند. رویکرد منطقه‌گرا دارای انواع مبتنی بر پهنه‌بندی و مبتنی بر نقشه‌سازی است. رویکرد فرایندگرا نیز دارای انواع مشارکت‌مبنا و نظام‌مند دارد. می‌توان گفت بسط و تکامل حکمرانی مناطق تحت حفاظت بر مبنای جهان‌بینی‌ها و گفتمان‌ها، در پنج گونه است.

۳-۱-۱. رویکرد مبتنی بر پهنه‌بندی

این رویکرد، به‌عنوان راهبرد حل تعارضات حفاظت و توسعه شامل مدل‌های اصلی زیر است (DeFries et al., 2010; Hull et al., 2011; Rivarola et al., 2022; Zhang et al., 2013):

- پهنه‌های ذخیره‌گاه زیست‌کره: ابتدایی‌ترین مدل به‌منظور حفاظت سرزمین در مقابل اثرات منفی ناشی از فعالیت‌های مناطق پیرامون است. یک ذخیره‌گاه حداقل شامل سه پهنه هسته، سپر و گذار است.
- پهنه تأثیر: روشی برای تعیین فشار دسترسی بر اراضی طبیعی پیرامون یک منطقه تحت حفاظت است.
- پهنه تعامل: روشی برای تعیین مکان‌ها و فرایندهایی است که برای حفظ تعاملات اجتماعی-اقتصادی، اکولوژیکی و هیدرولوژیکی میان منطقه تحت حفاظت و پیرامونش اهمیت ویژه دارند.
- تعیین پهنه‌بندی مدیریت: مدلی است که با تخصیص سیمای سرزمین به واحدهای کاربری اراضی چندهدفه، تعارض با حفاظت را کاهش می‌دهد.

۳-۱-۲. رویکرد مبتنی بر نقشه‌سازی

این رویکرد به‌عنوان راهبرد تمایزبخشیدن به مناطق اولویت‌دار، اطلاعات فضایی جریان‌ات اکولوژیکی-اجتماعی درون و برون مرزهای مناطق تحت حفاظت، را به کار می‌گیرد (Palomo, Martín-López, et al., 2014; Sijtsma et al., 2019; Stortini et al., 2015). مدل‌های اصلی این رویکرد به شرح زیر است:

- اکوسیستم با محوریت مناطق تحت حفاظت: این مدل، به‌منظور حفظ عملکردها، سازوکارهایی را برای نقشه‌سازی گستره فضایی درون و پیرامون مناطق تحت حفاظت به کار می‌گیرد.
- شاخص قابلیت منطقه تحت حفاظت: ابزاری فضایی و منطقی است که معیارهای ارزیابی قابلیت محفوظ ماندن منطقه از بهره‌برداری‌های انسانی ترکیب می‌کند.
- تحلیل الگوی فضایی شکل شناختی: مدلی است که وضعیت زیرساخت‌های سبز و چگونگی تخریب در پیرامون مناطق تحت حفاظت را به‌منظور حفظ اتصال شبکه‌های حفاظت نقشه‌سازی می‌کند.
- ارزش‌گذاری و نقشه‌سازی خدمات اکوسیستمی: روشی است که تصمیم‌گیری را در انتخاب گزینه‌های حفاظت و استفاده براساس نقاط داغ تولید خدمات اکوسیستمی (SPHs)، نقاط داغ تخریب‌شده خدمات اکوسیستمی (DSPHs) و نقاط بهره‌مندی از مزایای خدمات اکوسیستمی^۱ (SBAs) توانمند می‌کند.

۳-۱-۳. رویکرد مشارکت‌مبنا

این رویکرد بر همه انواع همکاری میان ذینفعان به‌ویژه مشارکت جوامع محلی تأکید دارد (Brown et al., 2020; Castro-Arce et al., 2019; Milupi et al., 2017; Shokirov & Backhaus, 2020). مدل‌های اصلی این رویکرد به شرح زیر است:

- مشارکت مستقیم: این مدل بر دو جنبه مشارکتی مؤثر بر فرایند تصمیم‌گیری تأکید دارد یکی رابطه بازیگران و دیگری مزایای متعلق به جوامع بومی و از ارزیابی مشارکتی روستایی استفاده می‌کند.
- مدیریت اجتماع‌مبنا: این مدل بر تقویت همکاری جوامع درون و پیرامون مناطق تحت حفاظت برای حل مناقشات میان حفاظت و استفاده‌های محلی متمرکز است. همچنین جوامع محلی را واحد کانونی می‌داند و از تشکیلات اقتصادی اجتماع‌مبنا حمایت می‌کند. یکی از انواع این مدل، مدیریت منابع طبیعی مبتنی بر اجتماع است که بر حل مسائل مدیریتی در مقیاس محلی و مزایایی که از نظر عدالت اجتماعی و بهبود رفاه متوجه جوامع محلی متمرکز است.

1. Service Provision Hotspots, Degraded SPHs & Service Benefiting Areas

- ادراک و همکاری ذینفعان: این مدل بر دیدگاه‌ها و علایق افراد و گروه‌های مختلف ذینفع به‌عنوان ابزاری برای کمک به تعادل میان گردشگری و نگرانی‌های محیط‌زیستی و اجتماعی تأکید دارد.
- مدیریت همکارانه تطبیقی: این مدلی برای تفکر و اقدام در مدیریت منابع طبیعی تأکید ویژه‌ای بر برنامه‌ریزی غیرخطی، یادگیری از طریق به چالش کشیدن ارزش‌های بازیگران مختلف و مشارکت آن‌ها دارد.

۳-۱-۴. رویکرد نظام‌مند

این رویکرد بر فرایند یکپارچه و عقلایی مدیریت پایدار مناطق تحت حفاظت تمرکز دارد (Alemohammad et al., 2020; Casti, 2014; Ramirez-Gomez et al., 2016). مدل‌های اصلی این رویکرد به شرح زیر است:

- پروژه‌های توسعه و حفاظت یکپارچه: این پروژه‌ها قصد داشتند سبب بهره‌مندی مردم محلی از سرمایه‌گذاری برای حفاظت شود که حفاظت را در هسته محدود نمود و فعالیت‌های تولیدی پیرامون را افزایش داد.
- پروتکل یکپارچه‌سازی برنامه‌ریزی حفاظت و احیا: این پروتکل طی برنامه‌ریزی کاربری اراضی در پی شناسایی بهترین گزینه‌های فضایی به‌منظور حفاظت و احیای تنوع زیستی درون و پیرامون این مناطق است.
- برنامه‌ریزی حفاظت نظام‌مند: این برنامه‌ریزی با هدف سازگاری پهنه‌های مدیریتی به اقدامات و پایش می‌رسد.
- توسعه گردشگری پایدار: این مدل با تکیه بر اصول گردشگری پایدار (در حوزه‌های محیط‌زیستی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی) به مدیریت اثر بازدیدکننده توجه دارد.

۳-۱-۵. رویکرد تلفیقی

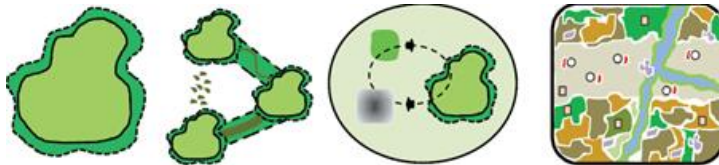
- پهنه استفاده مردمی: این ایده براساس شناسایی سازمان فضایی عرفی و بر پایه ظرفیت‌سازی آموزشی می‌تواند اهرمی برای ایجاد فرصت‌های بیشتر مشارکت جوامع محلی و پایش توسط آن‌ها باشد. ابتدا براساس دیدگاه‌های جوامع محلی نسبت به ارزش‌های مکانی سیمای سرزمین (از جمله مکان‌های زندگی و بهره‌برداری‌های معیشتی جوامع از خدمات اکوسیستمی)، پهنه‌بندی انجام می‌شود. سپس این نقطه نظرات مکان‌دار جوامع محلی با نقطه نظرات تصمیم‌گیران حرفه‌ای تجمیع می‌شود. این شیوه می‌تواند به توافقات آینده برای

پایه‌گذاری مناطق تحت حفاظت با مالکیت مشترک و مناطق تحت حفاظت مردم بومی^۱ کمک کند. در نتیجه نقشه علاوه بر نقش نمایشی- توصیفی، یک محصولی اجتماعی با جنبه ارتباطی- میانجیگری- تجویزی می‌شود. بحث برای پیشرفت شیوه‌های رویکرد تلفیقی باز است.

۲-۳. رویکردهای حکمرانی مناطق تحت حفاظت براساس نگرش

نسبت به پیرامون

تفکر و تصمیم‌گیری درباره حفاظت طی پنجاه سال گذشته، براساس مفهوم مرز و چگونگی درک نحوه ارتباط مناطق تحت حفاظت با محیط پیرامونشان، از تمرکز بر حفظ جمعیت یک‌گونه خاص به سمت حفاظت زیستگاه، شبکه‌سازی حفاظت، حفاظت سیماهای سرزمین و سپس مناطق تحت حفاظت یکپارچه با دانش اکولوژیکی- اجتماعی حرکت نموده است. این پیشرفت به معنای درک عمیق‌تر خدمات اکوسیستمی مناطق تحت حفاظت است (Martinez-Reyes, 2014; Sharma, 2015). مفهوم غالب ابتدایی، مناطق تحت حفاظت را با جداکردن آن‌ها از پیرامونشان مدیریت کرد که به دلیل چشم‌پوشی از فعالیت‌های انسانی پیچیده درون و برون مرزهای مناطق تحت حفاظت، با چالش‌های قابل توجهی مواجه شد. بدون برنامه‌ریزی حفاظت در سیماهای سرزمین بزرگ‌تر، فرایند منزوی‌شدن حفاظت استمرار می‌یابد. به همین دلیل با تأکید بر ترکیب عناصر اکولوژیکی، اجتماعی و اقتصادی، همزیستی حفاظت و توسعه پیگیری شد. در ادامه با توجه به شکل ۲، بسط و تکامل رویکردهای حکمرانی مناطق تحت حفاظت بر مبنای نگرش‌های بنیادین در چهار گونه تشریح شده است.



شکل ۲- تکامل مفهوم منطقه تحت حفاظت براساس نگرش نسبت به پیرامون (از چپ به راست جزیره، شبکه، سیمای سرزمین و سیماهای سرزمین اکولوژیکی- اجتماعی) (Palomo, Montes, et al., 2014)

۱-۲-۳. رویکرد جزیره‌سازی

1. Common property protected areas & Indigenous and community conserved areas

با ایجاد پارک ملی یلواستون در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۸۷۶، حفاظتی سخت‌گیرانه و منزوی، مردم محلی را از استفاده‌های سنتی محروم کرد. این تفکر در کشورهای در حال توسعه، برای جلوگیری از تغییر و تبدیل کاربری اراضی الگو شد. این رویکرد از سیمای سرزمین درون هسته حفاظت می‌کند، اما با فزاینده توسعه در پیرامون سبب احاطه منطقه با زیستگاه‌های تخریب‌شده می‌گردد. این رویکرد هنوز متداول است، اما با چشم‌پوشی از جریان‌ات اکولوژیکی - اجتماعی، تعارضات اجتماعی را افزایش می‌دهد (Borisov & Ganzai, 2020).

۲-۲-۳. رویکرد شبکه‌سازی

حفاظت در دهه ۱۹۹۰، از لکه‌های حساس بزرگ سیمای سرزمین به سوی حفظ ارتباط فضایی گذرگاه‌های اکولوژیکی تغییر جهت داد. این رویکرد در مقیاس جهانی با حفاظت بوم‌منطقه‌ای برای اتصال مناطق تحت حفاظت موجود در همه بوم‌های اصلی جهان برجسته گردید. محدودیت این رویکرد این است که اغلب در انتخاب مکان مناطق تحت حفاظت سوگیری به سمت مناطق مرتفع با شیب تند وجود دارد (Choe et al., 2021; Hofman et al., 2018; Kheirkhah Ghehi & Jozi, 2021; Laurance et al., 2012).

۳-۲-۳. رویکرد سیمای سرزمین

حفاظت از دهه ۲۰۰۰ متوجه سیمای سرزمین به‌عنوان «هویت کامل فضایی و بصری محیط‌زیست» شد. سیمای سرزمین کلیتی بیش از جمع ساده اجزا (مثلاً میزان تولید بالقوه، تیپ و تراکم پوشش گیاهی و ویژگی‌های خاک‌شناسی) است. این رویکرد به دنبال شناسایی و ارزیابی عدم تجانس افقی^۱ در چهارچوب مکانی-زمانی است.

براساس اصل ارتباط ساختار و کارکرد، تغییرات شرایط کارکردی سرزمین براساس تغییرات انسجام ساختاری سیمای سرزمین^۲، قابل تفسیر است. درک تخریب تخریب یا احیای سیمای سرزمین براساس سنجه‌های ساختاری، معیاری قوی است که مناطق دارای روند مطلوب یا فرایند قهقرایی (و البته نیازمند نوع خاصی از مدیریت) را نشان می‌دهد. این رویکرد، به‌رغم پیشرفت چشمگیر، محدودیتی بزرگ

1. Chorologic Heterogenity

2. Landscape Structural Integrity

دارد: این نشانه‌شناسی، امکان درک مکان‌دار همه بنیان‌های ارزشی سرزمین و تغییرات اجتماعی را نمی‌دهد. این ضعف در ارتباط با جامعه می‌تواند به تعارض با حفاظت دامن بزند (Alemohammad, 2022; Alemohammad et al., 2014; Hagen-Zanker, 2014). (2016; Lausch et al., 2015; Mahdavi et al., 2018; McGarigal, 2017; Poppy et al., 2014).

۳-۲-۴. رویکرد سیمای سرزمین اکولوژیکی - اجتماعی

گسترش شیوه‌های درک مناطق تحت حفاظت با یکپارچه‌کردن رویکرد اکولوژی سیمای سرزمین با تحلیل فرایندهای اجتماعی، یک رویکرد تصمیم‌گیری بهتر را برای حفاظت سیمای سرزمین و تداوم رفاه بشر ارائه می‌دهد. دیدگاه سیستم‌های اجتماعی - اکولوژیکی، واقعیت را پیچیده و متغیر می‌داند و بر تاب‌آوری توجه دارد. در چنین دیدگاهی، کارکردهای سیمای سرزمین همان خدمات اکوسیستمی هستند که محصول نهایی آن‌ها ارزش‌های مکانی است. فعالیت‌های جامعه را نیازها و ارزش‌ها تعیین می‌کند. ورود چهارچوب خدمات اکوسیستمی به‌عنوان زبان گفت‌وگو حفاظت و استفاده پایدار، سبب هماهنگی جوامع محلی و سایر بازیگران، یادگیری از عمل و بهبود رفتارها می‌شود. ارزش‌های سیمای سرزمین متنوع است اما خدمات اکوسیستمی تولیدی و فرهنگی به دلیل بازده اقتصادی بالاتر، قابلیت فهم عمومی بالاتر و امکان نقشه‌سازی مشارکتی بیشتری دارند (Akamani, 2020; Biggs et al., 2015; Brown et al., 2020; Sande, 2015; Schoon et al., 2015).

جوامع محلی براساس تجربه تاریخی، امنیت دسترسی خود به مناطق ارائه‌دهنده خدمات اکوسیستمی تولیدی و فرهنگی را همچون هویت فضایی خود می‌دانند که به‌صورت شفاهی بین نسل‌ها منتقل شده است. نزدیک‌شدن مزایای حفاظت با نیازهای مردم بومی سبب حمایت اجتماعی و مشارکت مردمی می‌گردد. این بازخورد موجب تقویت حس تعلق، افزایش مقبولیت قانون، ابتکارات حفاظتی و کاهش هزینه‌ها می‌شود که در نهایت سازگاری‌پذیری و انعطاف‌پذیری حکمرانی مناطق تحت حفاظت را ارتقا می‌دهد (Cooney et al., 2017; Gatiso, 2019; Naidoo et al., 2019; Palomo, 2014; Montes, et al., 2014; Poppy et al., 2014). مشارکت جوامع محلی و سایر ذینفعان در فرایند تصمیم‌گیری مناطق تحت حفاظت نیازمند بسترسازی (آموزش برای تقویت و اصلاح نگرش و سپس انگیزش برای هدایت رفتار و تغییر فعالیت‌ها) است. در نتیجه در کنار جرمه‌ها و رویکرد مبتنی بر استاندارد باید از مشوق‌ها و رویکرد مبتنی بر بازار نیز استفاده نمود (Dupke et al., 2019; Gatiso et al., 2018; Norris et al., 2018).

رویکرد سیمای سرزمین اکولوژیکی - اجتماعی به دنبال حکمرانی یکپارچه چندوجهی بین رشته‌های علمی و میان بازیگران مختلف است که در رسیدگی به چالش‌ها از مرزهای مدیریت سنتی فراتر می‌رود. شناسایی و تحلیل تغییرات انسجام ساختاری سیمای سرزمین مبتنی بر دیدگاه منطقه‌گرا است. شناسایی ادراک فضایی جوامع محلی و نقشه‌سازی مشارکتی پهنه استفاده مردمی، با دیدگاه فرایندگرا همخوان است (Alemohammad, 2022; Alemohammad et al., 2022; Gatiso, 2019; Hajjar et al., 2016; Reed et al., 2016; Mahdavi et al., 2018; Hing & Riggs, 2021; al., 2021). موانع و راه‌کارهای استفاده صحیح از این سیمای سرزمین منوط به اصلاح نگرش‌ها و رویکردهای تصمیم‌گیری است. مبانی مناسب برای استفاده از سرزمین شامل حفاظت زیرساخت‌های طبیعی و احیای سرمایه‌های فرهنگی، احساس تعلق به سرزمین، اخلاق و ابتکار است (Alemohammad et al., 2017; Alemohammad et al., 2014). بحث برای تعاملات عمیق‌تر مفاهیم تقویت‌کننده، بهبود طراحی روش‌ها و کاربرد مدل‌های رویکرد سیمای سرزمین اکولوژیکی - اجتماعی ادامه دارد.

۴. یافته‌های پژوهش

به دلیل تقابل و فهم متفاوت دو رویکرد منطقه‌گرا و فرایندگرا درباره حفاظت و توسعه پایدار و وجود مدل‌های اثرگذار در این دو رویکرد، ترکیب و کاربرد هم‌زمان آن‌ها اهمیت دارد.

مدل‌های قدرتمند در رویکرد منطقه‌گرا، ذخیره‌گاه زیست‌کره و نقشه خدمات اکوسیستمی هستند. مدل‌های قدرتمند در رویکرد فرایندگرا، در طیف مدیریت اجتماع‌مبنا، مشارکتی و همکارانه است. این دو رویکرد، به پیشرفت در مسیرهای خود ادامه داده‌اند و مدام مدل‌های پیشرفته‌تری را توسعه می‌دهند. اما تمایز قائل شدن بین آن‌ها، به این معنی نیست که به‌طور مطلق مجزا هستند، بلکه از ابتدا پیوستگی داشته‌اند. درهم‌آمیختگی مشارکت عمومی با فرایند تعیین پهنه‌بندی مدیریتی، سبب همگرایی رویکردهای اجتماع‌مبنا و «دانش‌مبنا»^۱ می‌شود.

رویکرد منطقه‌گرا نه‌تنها به شواهد علمی و دقیق، بلکه به فرایند نرم‌تر و سازگارتر نیاز دارد. رویکرد فرایندگرا نیز اگر به نقشه نینجامد، سبب بی‌هدفی و تضعیف حفاظت می‌شود. همچنین هر دو رویکرد به‌شدت با تغییرات مفهومی درباره رابطه با

پیرامونش این مناطق، مرتبط هستند. تکامل تاریخی حکمرانی مناطق تحت حفاظت با تمرکز بر سیماهای سرزمین پیرامونشان و براساس ویژگی‌های محتوایی و رویه‌ای در جدول ۱ خلاصه شده است.

جدول ۱: تکامل مفهوم حکمرانی مناطق تحت حفاظت

ویژگی‌ها	رویکردهای حکمرانی مناطق تحت حفاظت			
	جزیره	شبکه	سیمای سرزمین	سیماهای سرزمین اکولوژیکی-اجتماعی
تاریخ غلبه رویکرد	از ۱۸۷۰ تا ۱۹۸۰	از ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰	از میانه ۲۰۰۰ تا امروز	دهه اخیر و به‌ویژه پس از ۲۰۲۰
نوع و هدف مدیریت	ایستا و حفظ موجودیت	بررسی تغییرات طبیعی	بررسی پویایی اکولوژیکی	بررسی تغییرات اکولوژیکی-اجتماعی
ارزش‌های حفاظتی	تنوع زیستی	تنوع زیستی و فرهنگ	ساختارها و کارکردها	خدمات اکوسیستمی
جهان‌بینی	اثبات‌گرایی	اثبات‌گرایی	اثبات‌گرا و کمی تفسیرگرا	انتقادی و سازهانگاری
گفتمان	به‌شدت محافظه‌کارانه	محافظه‌کارانه	هشیار اجتماعی	میان‌رو
ایدئولوژی	اکولوژی عمیق	اکولوژی عمیق	اکولوژی عمیق	اکولوژی سیاسی و عمیق
نگرش به پیرامون	انحصاری شدید و بسته	انحصاری و نیمه بسته	شامل و باز	شامل و باز
مرز	مرز قطعی و نفوذناپذیر	دارای ارتباط محدود	مرز نفوذپذیر	مرز فازی
دانش درگیر	علمی-فنی	علمی-فنی	علمی-فنی	علمی-فنی و عرفی-محلی
روش‌شناسی	به‌شدت منطقه‌گرا	منطقه‌گرا	توجه کم به فرایندگرایی	تلفیقی
هدایت رفتار	مبتنی بر استاندارد	جریمه‌ها	مشوق‌ها	مبتنی بر بازار و استاندارد
تاب‌آوری	تاب‌آوری ندارد	تاب‌آوری کم	تاب‌آوری متوسط	تاب‌آوری بالا
نقش برنامه‌ریز	مشاوره‌ای	مشاوره‌ای	مشاوره‌ای	تسهیلگری و میانجی‌گری
مشارکت مردمی	مردم به‌عنوان	عدم مشارکت	مشارکت کم	مدیریت همراه با

مردم محلی	مردم محلی	مردم	تهدید	مردم محلی
مدیریت یکپارچه کل سیماهای سرزمین	غیر یکپارچه	غیر یکپارچه	غیر یکپارچه	مدیریت
دولتی، اشتراکی، خصوصی و مردمی	دولتی	دولتی	دولتی	نوع حکمرانی

بررسی، کاوش و تحلیل براساس متون منابع مرور شده نشان‌دهنده تحولاتی است که همواره تمایل داشته کاستی‌ها و نارسایی‌های حکمرانی مناطق تحت حفاظت را با رویکردهای جدیدتر پوشش دهد. اولویت‌های تحقیقاتی آینده در مواجهه با چالش‌های شناسایی، ارزیابی، پهنه‌بندی و مدیریت این مناطق به سمت جهان‌بینی انتقادی سازه‌نگار، گفتمان‌های میانه‌رو و نگرش‌های شامل‌تر در ارتباط با پیرامون این مناطق و به‌طور خلاصه مدیریت یکپارچه سیمای سرزمین است. محورهای زیر می‌تواند مشروعیت‌بخش نظری و تداوم‌بخش به‌کارگیری عملی رویکرد جدید سیماهای سرزمین اکولوژیکی- اجتماعی و هر رویکرد یکپارچه و کل‌نگر دیگر درزمینه حکمرانی مناطق حفاظت‌شده باشد:

- ❖ ساختارهای اکولوژیکی سرزمین در پیرامون مناطق تحت حفاظت نسبت به درون بیشتر تخریب می‌شوند. نیاز است مناطق تحت حفاظت در سرزمینی بزرگ‌تر دیده شوند نه جدا. براساس پایش تغییرات انسجام ساختاری سیمای سرزمین در گستره‌ای فراتر از مرزهای تعیین‌شده قبلی، مناطق اتصال عرصه‌های طبیعی بدون حفاظت رها نمی‌گردد؛
- ❖ چالش مدیریت مناطق حفاظت‌شده ناشی از انحصار بر نخبه‌سالاری و دیوان‌سالاری است. به دلیل اهمیت ارائه راه‌حل‌های محلی، نیاز به‌صرف وقت و سرمایه برای درک ارزش‌های اشتراکی، شیوه‌های اجتماعی و نیازهای جوامع محلی است. شناسایی ادراک این جوامع از فضا و فعالیت‌هایشان، به‌عنوان مهم‌ترین ذینفعان درون و پیرامون مناطق تحت حفاظت، باید در پایگاه اطلاعات صریح فضایی تکمیل و در پهنه‌بندی مدیریتی تعیین‌کننده شود؛
- ❖ حفاظت بلندمدت نیاز به مشارکت مردم محلی دارد، اما حفاظت یک نتیجه بر روی نقشه با مرز و پهنه‌های مشخص می‌خواهد. پژوهش‌های آینده باید بر ترکیب هماهنگ رویکردهای مشارکتی و روش‌های پهنه‌بندی متمرکز باشد.

- این آمیختگی (نقشه‌سازی مشارکتی) آغازگر پایه‌های تفکری جامع‌تر در حکمرانی مناطق تحت حفاظت است؛
- ❖ ساختارهای اکولوژیکی - اجتماعی مهم در تصمیم‌گیری باید شامل فضاهای زیر باشد: محل‌های ارزشمند برای حضور و فعالیت جوامع محلی، محل‌های ارزشمند برای حفظ طبیعت و احترام به منابع طبیعی، محل‌های تخریب‌شده یا مورد تهدید با فعالیت‌های مداخله‌گرانه و شبکه‌های حفاظتی برای حفظ پیوستگی لکه‌های زیستگاهی باقیمانده؛
 - ❖ با توجه به قابلیت تلفیق رویکردهای مشارکت‌مبنا با تصمیم‌گیری مکان‌محور پیشنهاد می‌شود چهارچوب حکمرانی مناطق حفاظت‌شده حداقل شامل گام‌های زیر باشد: شناسایی ذینفعان و دیدگاه‌هایشان (قدرتمندان تا آسیب‌پذیران)، شناسایی ارزش‌های مکانی سیمای سرزمین و اولویت‌های کاربری‌های اراضی، تحلیل روابط قدرت و تمایل به مشارکت، ارزیابی اثربخشی و پیش‌بینی پیامدهای حکمرانی موجود، به‌کارگیری همه ظرفیت‌ها، آموزش و انگیزش، جریان‌های اطلاعاتی و شبکه تصمیم‌گیری در بهبود حکمرانی.

۵. نتیجه‌گیری

دستیابی به اهداف حفاظت از تنوع زیستی و توسعه اجتماعی - اقتصادی محلی به‌طور هم‌زمان امکان‌پذیر است. مناطق تحت حفاظتی که هم در شاخص‌های تنوع زیستی و هم در شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی محلی به بهبودی دست‌یافته‌اند، پایداری بالاتری خواهند داشت. این هم‌زمانی در دستیابی به اهداف به‌ظاهر متضاد مستلزم تلاش‌های هماهنگ از نظر تقویت فرایند تصمیم‌گیری در مناطق تحت حفاظت با مشارکت جوامع محلی و جلوگیری از تهدیدهای درون و پیرامون این مناطق است. مناطق تحت حفاظت با حذف جوامع محلی شاید به نتایج حفاظتی مثبتی دست یابد اما در درازمدت با هزینه بیشتر اقتصادی - اجتماعی مواجه می‌شوند. از سوی دیگر اگر دسترسی به منابع طبیعی مناطق تحت حفاظت افسارگسیخته باشد، بهره‌برداری بیش‌ازحد ممکن است منجر به نابودی تنوع زیستی شود (Clements et al., 2020; Ekroos et al., 2017; Lopoukhine et al., 2012; Oldekop et al., 2016; Petursson & Vedeld, 2015).

به این ترتیب، هم‌افزایی حاصل از نتایج حفاظت از تنوع زیستی و توسعه اجتماعی-اقتصادی محلی می‌تواند بسیار بیشتر و اثرگذارتر از مبادلات بین این دو هدف باشد. پاسخ دو پرسش مطرح در این پژوهش به شرح زیر است:

* مناطق تحت حفاظت با توجه به جهان‌بینی‌ها و گفتمان‌ها و همچنین نگرش‌های موجود نسبت به محیط پیرامون چه رویکردهایی برای حکمرانی دارند؟ در قالب جهان‌بینی‌ها و گفتمان‌های موجود، رویکرد منطقه‌گرا (پهنه‌بندی و نقشه‌سازی) و رویکرد فرایندگرا (مشارکت‌مبنا و نظام‌مند) وجود داشته است و وجود دارد که حاصل تلفیق آن‌ها نقشه‌سازی مشارکتی است. براساس نگرش حکمرانی نسبت به محیط پیرامون مناطق تحت حفاظت، رویکردهای جزیره‌سازی، شبکه‌سازی، سیمای سرزمین و سیمای سرزمین اکولوژیکی-اجتماعی وجود داشته است و وجود دارد. سیمای سرزمین اکولوژیکی-اجتماعی به دنبال حکمرانی چندوجهی براساس ارزش‌های متعلق به مکان، از مرزهای مدیریت سنتی فراتر می‌رود. حکمرانی مناطق تحت حفاظت به‌طور مداوم با شکل‌دادن مدل‌هایی پیشرفته‌تر، تمایل به پوشش‌دادن محدودیت‌های اثربخشی خود داشته است. پژوهش درباره پراکندگی چهارچوب‌های مفهومی و تنوع روش‌های پژوهش برای درک حکمرانی مناطق حفاظت‌شده رو به افزایش دارد.

* سیر تحول حفاظت سرزمین در مناطق تحت حفاظت با تحلیل مقایسه‌ای این رویکردها به چه جهتی تغییر نموده است؟ تکامل مفهوم حکمرانی منطقه تحت حفاظت به‌گونه‌ای بوده است که مدیریت (از نوع ایستا و برای هدف حفظ وضع موجود به‌سوی نوع تطبیقی و برای سازگاری با تغییرات اکولوژیکی-اجتماعی) تغییر نموده است. ارزش‌های حفاظتی اکوسیستم از تنوع زیستی و فرهنگ به‌سوی خدمات اکوسیستمی تمایل داشته است. دانش علمی-فنی با دانش عرفی-محلی همراه شده است. نقش برنامه‌ریز از مشاور به تسهیلگر و میانجی‌گر ارتقا یافته است. سعی شد به‌جای تلقی مردم به‌عنوان تهدید بر مشارکت و همراهی آن‌ها توجه شود. این تغییرات هرگز یک‌باره نبوده است. حتی با ظهور رویکردهای موفق‌تر جدید، همچنان رویکردهای قدیمی غلبه دارد. لازم است برای تقویت تاب‌آوری، درزمینه توانمندسازی مدیران، پشتیبانی معیشت‌های پایدار، بسترسازی مشارکت جوامع محلی و استفاده از ابتکاراتشان سرمایه‌گذاری شود.

مقصد حفاظت باید منطقه تحت حفاظت در بستر سیمای سرزمین پیرامون آن (که زیر سلطه استفاده‌های مردمی است) باشد. حکمرانی مناطق تحت حفاظت،

پیچیده‌تر از تصمیم‌گیری براساس شرایط بیوفیزیکی و تخصیص کاربری زمین است. در تحلیل‌های پایه ارزیابی سیمای سرزمین برای حکمرانی مناطق تحت حفاظت نگاهی لازم است که بستر طبیعی و جوامع انسانی را تفکیک نکند یعنی سیماهای سرزمین اکولوژیکی- اجتماعی.

این رویکرد در تلاقی بسیاری از جهان‌بینی‌ها، گفتمان‌ها، نگرش‌ها، رویکردها و مدل‌های حکمرانی مناطق تحت حفاظت است. این مفاهیم، روش‌ها و مدل‌ها زمانی که جداگانه به کار برده شوند، با چالش‌هایی مواجه هستند، اما در کنار هم تکمیل‌کننده‌اند. حکمرانی مجبور به انتخاب یکی از انواع حفاظت اجتماع‌مبنا و یا حفاظت شدید نیست. بسط موفق حکمرانی این مناطق منوط به توسعه روش‌های جدید و تلفیقی براساس اقتضات منطقه و ارزیابی هویت فضایی سرزمین است. این امکان وجود دارد که در آینده با جدیت بیشتر، ارزش‌هایی که جوامع محلی و یا سایر ذینفعان برای سرزمین قائل هستند براساس سنجه‌هایی اکولوژیکی- اجتماعی نقشه‌سازی شود و مبنای تصمیم‌گیری قرار داده شود. جدولی که در این پژوهش سیر تحول حکمرانی مناطق تحت حفاظت را نشان داده است تاکنون در هیچ مطالعه‌ای ارائه نشده است. همچنین مهم‌ترین ارزش افزوده این پژوهش، بسط شناخت برنامه‌ریز سرزمین، مدیر سرزمین یا حکمران بر پایه نگرشی چندسوی نگر است.

References

- Ahlborg, H., & Nightingale, A. J. (2018). Theorizing power in political ecology: The where of power in resource governance projects .
- Akamani, K. (2020). Integrating deep ecology and adaptive governance for sustainable development: Implications for protected areas management. *Sustainability*, 12(14), 5757.
- Alemohammad, S. (2022). *Formulating a zoning framework for mountainous protected areas in social-ecological content* University of Tehran Graduate Faculty of Environment (In persian).
- Alemohammad, S., Malek Mohammadi, B., Yavari, A. R., & Yazdanpanah, M. (2017). Analysis of the Water Resources Resilience in Land Governance Process of the Iranian Plateau. *Strategy*, 25(4), 143-175 (In persian).
- Alemohammad, S., Malek Mohammadi, B., Yavari, A., & Yazdanpanah, M. (2014). Policy- Making for Sustainable Governance and Land Resources Management in Urmia Basin. *Strategy*, 23(3), 151-179 (In persian).

- Alemohammad, S., Yavari, A.-R., Malek-Mohammadi, B., Salehi, E., & Amiri, M.-J. (2022). Landscape conservation and protected areas (case of Dena, Iran). *Environmental Monitoring and Assessment*, 194(2), 54.
- Alemohammad, S., Yavari, A. R., Malek Mohammadi, B., Salehi, E., & Amiri, M. J. (2020). Participatory Mapping of Community Use Zone in Dena District Adjacent to Dena Preserved Area. *Geography and Environmental Sustainability*, 10(1), 53-68 (In persian).
- Anaya, F. C., & Espírito-Santo, M. M. (2018). Protected areas and territorial exclusion of traditional communities. *Ecology and Society*, 23(1).
- Ayivor, J., Nyametso, J., & Ayivor, S. (2020). Protected Area Governance and Its Influence on Local Perceptions, Attitudes and Collaboration. *Land*, 9 (9), 310. In.
- Bank, W. (2018). Poverty and shared prosperity 2018: Piecing together the poverty puzzle. In: The World Bank.
- Barnes, M. D., Craigie, I. D., Harrison, L. B., Geldmann, J., Collen, B., Whitmee, S.,... Hockings, M. (2016). Wildlife population trends in protected areas predicted by national socio-economic metrics and body size. *Nature communications*, 7(1), 127.
- Bennett, N. J., Roth, R., Klain, S. C., Chan, K., Christie, P., Clark, D. A.,... Epstein, G. (2017). Conservation social science: Understanding and integrating human dimensions to improve conservation. *biological conservation*, 205, 93-108.
- Biggs ,R., Schlüter, M., & Schoon, M. L. (2015). Principles for building resilience: sustaining ecosystem services in social-ecological systems.
- Borisov, R., & Ganzei, K. (2020). Legal ecological zoning with estimation of complexity of the landscape organization of the protected zones of Russkiy Island. *E3S Web of Conferences*,
- Bridgewater, P., & Rotherham, I. D. (2019). A critical perspective on the concept of biocultural diversity and its emerging role in nature and heritage conservation. *People and Nature*.
- Brondizio, E. S., Settele, J., Diaz, S., & Ngo, H. T. (2019). Global assessment report on biodiversity and ecosystem services of the Intergovernmental Science-Policy Platform on Biodiversity and Ecosystem Services.
- Brown, G., Reed, P & ,Raymond, C. M. (2020). Mapping place values: 10 lessons from two decades of public participation GIS empirical research. *Applied Geography*, 116, 102156.
- Brown, G., Weber, D., Zanon, D., & De Bie, K. (2012). Evaluation of an online (opt-in) panel for public participation geographic information systems surveys. *International journal of public opinion research*, 24(4), 534-545.
- Casti, E. (2014). A reflexive cartography and environmental conservation: a model of participatory zoning. *Global Bioethics*, 25.
- Castro-Arce, K., Parra, C., & Vanclay, F. (2019). Social innovation, sustainability and the governance of protected areas: revealing theory

- as it plays out in practice in Costa Rica. *Journal of Environmental Planning and Management*, 62(13), 225.
- Castro-Arce, K., & Vanclay, F. (2020). Community-led green land acquisition: Social innovative initiatives for forest protection and regional development. *Land*, 9(4), 109.
 - Choe, H., Keeley, A. T., Cameron, D. R., Gogol-Prokurat, M., Hannah, L., Roehrdanz, P. R.,... Thorne, J. H. (2021). The influence of model frameworks in spatial planning of regional climate-adaptive connectivity for conservation planning. *Landscape and Urban Planning*, 214, 104169.
 - Clements, T., Neang, M., Milner-Gulland, E & .Travers, H. (2020). Measuring impacts of conservation interventions on human well-being and the environment in Northern Cambodia. *Impact Evaluation Report*, 106.
 - Cooney, R., Roe, D., Dublin, H., Phelps, J., Wilkie, D., Keane, A.,... Allan, J. R. (۲۰۱۷). From poachers to protectors: engaging local communities in solutions to illegal wildlife trade. *Conservation Letters*, 10(3), 367-374.
 - Costa, A. V. d., Manfroi, M. N., & Chiaravalloti, R. (2022). The impact of Protected Areas on the Well-being of Pantaneiro Riverine Communities. *Ambiente & Sociedade*, 25.
 - Cumming, G. S., & Allen, C. R. (2017). Protected areas as social-ecological systems: perspectives from resilience and social-ecological systems theory. *Ecological applications*, 27(6), 1709-1717.
 - DeFries, R., Karanth, K. K., & Pareeth, S. (2010). Interactions between protected areas and their surroundings in human-dominated tropical landscapes. *biological conservation*, 143(12), 2870-2880.
 - Dupke, C., Dormann, C. F., & Heurich, M. (2019). Does public participation shift German national park priorities away from nature conservation? *Environmental Conservation*, 46(1), 84-91.
 - Ekroos, J., Leventon, J., Fischer, J., Newig, J., & Smith, H. G. (2017). Embedding evidence on conservation interventions within a context of multilevel governance. *Conservation Letters*, 10(1), 139-145.
 - Gao, W., Huang, J., Qiu, Q., Shrestha, A., Yuan, C., Anand, S.,... Wang, G. (2023). Conservation and Management of Protected Areas in China and India: A Literature Review (19). *Climate*, 11(1), 22.
 - Gatiso, T. T. (2019). Households' dependence on community forest and their contribution to participatory forest management: evidence from rural Ethiopia. *Environment, Development and Sustainability*, 21(1), 181-197.
 - Gatiso, T. T., Vollan, B., Vimal, R., & Kühl, H. S. (2018). If possible, incentivize individuals not groups: evidence from lab-in-the-field experiments on forest conservation in Rural Uganda. *Conservation Letters*, 11(1), e12387.
 - Geldmann, J., Coad, L., Barnes, M. D., Craigie, I. D., Woodley, S., Balmford, A.,... Mascia, M. B. (2018). A global analysis of

- management capacity and ecological outcomes in terrestrial protected areas. *Conservation Letters*, 11(3), e12434.
- Hagen-Zanker, A. (2016). A computational framework for generalized moving windows and its application to landscape pattern analysis. *International Journal of Applied Earth Observation and Geoinformation*, 44, 205-216.
 - Hajjar, R., Oldekop, J. A., Cronkleton, P., Newton, P., Russell, A. J., & Zhou, W. (2021). A global analysis of the social and environmental outcomes of community forests. *Nature Sustainability*, 4(3), 216-224.
 - Hakkarainen, V., Anderson, C. B., Eriksson, M., van Riper, C. J., Horcea-Milcu, A., & Raymond, C. M. (2020). Grounding IPBES experts' views on the multiple values of nature in epistemology, knowledge and collaborative science. *Environmental science & policy*, 105, 11-18.
 - Hing, S., & Riggs, R. (2021). Re-thinking benefits of community protected areas in Mondulkiri, Cambodia. *Trees, Forests and People*, 6, 100128.
 - Hofman, M. P., Hayward, M. W., Kelly, M. J., & Balkenhol, N. (2018). Enhancing conservation network design with graph-theory and a measure of protected area effectiveness: Refining wildlife corridors in Belize, Central America. *Landscape and Urban Planning*, 178, 51-59.
 - Hull, V., Xu, W., Liu, W., Zhou, S., Viña, A., Zhang, J.,... Chen, X. (2011). Evaluating the efficacy of zoning designations for protected area management. *biological conservation*, 144(12), 3028-3037.
 - Jones, T., Hawes, J. E., Norton, G. W., & Hawkins, D. M. (2019). Effect of protection status on mammal richness and abundance in Afromontane forests of the Udzungwa Mountains, Tanzania. *biological conservation*, 229, 78-84.
 - Kheirkhah Ghehi, N., & Jozi, S. A. (2021). Introducing a novel zoning model in protected areas based on habitat connectivity analysis in habitat patches of *Ovis orientalis* in Varjin protected area. *Journal of Renewable Natural Resources Research*, 12(1), 107-117.
 - Laurance, W. F., Carolina Useche, D., Rendeiro, J., Kalka, M., Bradshaw, C. J., Sloan, S. P.,... Alvarez, P. (2012). Averting biodiversity collapse in tropical forest protected areas. *Nature*, 489(7415), 290-294.
 - Lausch, A., Blaschke, T., Haase, D., Herzog, F., Syrbe, R.-U., Tischendorf, L., & Walz, U. (2015). Understanding and quantifying landscape structure—A review on relevant process characteristics, data models and landscape metrics. *Ecological Modelling*, 295, 31-41.
 - Lee, E. (2016). Protected areas, country and value: The nature–culture tyranny of the IUCN's protected area guidelines for Indigenous Australians. *Antipode*, 48(2), 355-374.
 - Li, J., Stoffelen, A., & Vanclay, F. (2023). A conceptual framework and research method for understanding protected area governance: varying approaches and epistemic worldviews about human-nature

- relations. *Journal of Environmental Planning and Management*, 66(7), 1393-1412.
- Lopoukhine, N., Crawhall, N., Dudley, N., Figgis, P., Karibuhoye, C., Laffoley, D.,... Sandwith, T. (2012). (Protected areas: providing natural solutions to 21st Century challenges. *SAPI EN. S. Surveys and Perspectives Integrating Environment and Society*(5.2).
 - Mahdavi, A., Rangin, S., Mehdizadeh, H., & Mirzaei Zadeh, V. (2018). Modelling the trend of Zagros forest degradation using logistic regression (case study: Chardavol Forest of Ilam province). *Geography and Environmental Sustainability*, 8(2), 1-13 (In persian).
 - Martinez-Reyes, J. E. (2014). Beyond nature appropriation: towards post-development conservation in the Maya Forest. *Conservation and Society*, 12(2), 162-174.
 - McGarigal, K. (2017). Landscape metrics for categorical map patterns. *Lecture notes*.
 - Mcleod, E., Anthony, K. R., Mumby, P. J., Maynard, J., Beeden, R., Graham, N. A.,... MacGowan, P. (2019). The future of resilience-based management in coral reef ecosystems. *Journal of environmental management*, 233, 291-301.
 - Milupi, I., Somers, M. J., & Ferguson, J. W. H. (2017). A review of community-based natural resource management.
 - Naidoo, R., Gerkey, D., Hole, D., Pfaff, A., Ellis, A. M., Golden, C. D.,... Ricketts, T. H. (2019). Evaluating the impacts of protected areas on human well-being across the developing world. *Science Advances*, 5(4), eaav3006.
 - Norris, D., Michalski, F., & Gibbs, J. P. (2018). Community involvement works where enforcement fails: conservation success through community-based management of Amazon river turtle nests. *PeerJ*, 6, e4856.
 - Oldekop, J. A., Holmes, G., Harris, W. E., & Evans, K. L. (2016). A global assessment of the social and conservation outcomes of protected areas. *Conservation Biology*, 30(1), 133-141.
 - Omoding, J., Walters, G., Andama, E., Carvalho, S., Colomer, J., Cracco, M.,... Langoya, C. D. (2020). Analysing and applying stakeholder perceptions to improve protected area governance in Ugandan conservation landscapes. *Land*, 9(6), 207.
 - Otero, I., Farrell, K. N., Pueyo, S., Kallis, G., Kehoe, L., Haberl, H.,... Rodríguez-Labajos, B. (2020). Biodiversity policy beyond economic growth. *Conservation Letters*, 13(4), e12713.
 - Palomo, I., Martín-López, B., Zorrilla-Miras, P., García Del Amo, D., & Montes, C. (2014). Deliberative mapping of ecosystem services within and around Doñana National Park (SW Spain) in relation to land use change. *Regional environmental change*, 14, 237-251.
 - Palomo, I., Montes, C., Martin-Lopez, B., González, J. A., Garcia-Llorente, M., Alcorlo, P., & Mora, M. R. G. (2014). Incorporating the social-ecological approach in protected areas in the Anthropocene. *BioScience*, 64(3), 18.

- Petursson, J. G., & Vedeld, P. (2015). The “nine lives” of protected areas. A historical-institutional analysis from the transboundary Mt Elgon, Uganda and Kenya. *Land Use Policy*, 42, 251-263.
- Poppy, G. M., Jepson, P., Pickett, J. A., & Birkett, M. A. (2014). Achieving food and environmental security: new approaches to close the gap. In (Vol. 369, pp. 20120272): The Royal Society.
- Potts, R. (2020). Disconnected dots?: A systematic review of governance challenges for natural resource management. *Journal of Environmental Planning and Management*, 63(8), 1356-1374.
- Ramirez-Gomez, S. O., Brown, G., Verweij, P. A., & Boot, R. (2016). Participatory mapping to identify indigenous community use zones: Implications for conservation planning in southern Suriname. *Journal for Nature Conservation*, 29, 69-78.
- Reed, J., Van Vianen, J., Deakin, E. L., Barlow, J., & Sunderland, T. (2016). Integrated landscape approaches to managing social and environmental issues in the tropics: learning from the past to guide the future. *Global change biology*, 22(7), 2540-2554.
- Rivarola, M. D., Dein, J., Simberloff, D., & Herrero, H. V. (2022). Assessing Protected Area Zoning Effectiveness With Remote Sensing Data: The Case of Nahuel Huapi National Park, Argentina. *Frontiers in Remote Sensing*, 3, 901463.
- Sande, A. (2015). Mixed world heritage in Scandinavian countries. *International Journal of Heritage Studies*, 21(8), 791-804.
- Schoon, M. L., Robards, M. D., Brown, K., Engle, N., Meek, C. L., & Biggs, R. (2015). Politics and the resilience of ecosystem services. *Principles for building resilience: sustaining ecosystem services in social-ecological systems*, 32-49.
- Shafer, C. L. (2015). Cautionary thoughts on IUCN protected area management categories V–VI. *Global Ecology and Conservation*, 3, 331-348.
- Sharma, D. (2015). *Genesis of an indigenous social-ecological landscape in eastern Panama*. McGill University (Canada).
- Shokirov, Q., & Backhaus, N. (2020). Integrating hunter knowledge with community-based conservation in the Pamir Region of Tajikistan. *Ecology and Society*, 25(1), art1.
- Sijtsma, F. J., Mehnen, N., Angelstam, P., & Muñoz-Rojas, J. (2019). Multi-scale mapping of cultural ecosystem services in a socio-ecological landscape: A case study of the international Wadden Sea Region. *Landscape ecology*, 34, 1751-1768.
- Stoffelen, A. (2020). Where is the community in geoparks? A systematic literature review and call for attention to the societal embedding of geoparks. *Area*, 52(1), 97-104.
- Stortini, C. H., Shackell, N. L & ,O’Dor, R. K. (2015). A decision-support tool to facilitate discussion of no-take boundaries for Marine Protected Areas during stakeholder consultation processes. *Journal for Nature Conservation*, 23, 45-52.
- Van Kerkhoff, L., Munera, C., Dudley, N., Guevara, O., Wyborn, C., Figueroa, C.,... Becerra, L. (2019). Towards future-oriented

conservation: Managing protected areas in an era of climate change. *Ambio*, 48, 699-713.

- Wang, J.-H. Z. (2019). National parks in China: Parks for people or for the nation? *Land Use Policy*, 81, 825-833.
- Ward, C., Holmes, G., & Stringer, L. (2018). Perceived barriers to and drivers of community participation in protected-area governance. *Conservation Biology*, 32(2), 437-446.
- Zhang, Z., Sherman, R., Yang, Z., Wu, R., Wang, W., Yin, M.,... Ou, X. (2013). Integrating a participatory process with a GIS-based multi-criteria decision analysis for protected area zoning in China. *Journal for Nature Conservation*, 21(4), 225-240.